

تاریخچه‌ی حزب ایرانیان

دکتر حسین تجدد

عضو هیات اجرایی دفتر سیاسی

و قائم مقام پیشین دبیر کل حزب ایرانیان

نماینده‌ی اسبق مجلس شورای ملی

گشایش رسمی حزب ایرانیان در تالار فرهنگ

دبیر کل حزب ایرانیان که با ساده‌لوحی و باور غلط

هیجان زده شده بود از حزب سیاسی و واقعی ایرانیان

سخن گفت و همه‌ی احزاب گذشته را با دلایل گوناگون

زیر سوال برد. او مگر نمی‌دانست حزب ایرانیان که با اجازه

و خواست شاه با همان شرایط و ضوابط سایر احزاب

تشکیل شده چگونه می‌تواند در شرایط آزاد

و بدون وابستگی و دغدغه نقش خود را ایفا نماید؟

بخش‌هایی از مهم‌ترین مسائلی را که در
مرامنامه نوشته‌ایم، توجیه و تفسیر کنی.

او به من جواب داد: همان‌گونه که

می‌دانی شاهنشاه به ما گفتند آزاد هستید

که از عملکرد احزاب اکثریت و اقلیت انتقاد

کنید. جواب دادم: فردا زمان این کار

نیست. حتی اشاره‌ی هم که جنبه‌ی انتقاد

داشته باشد نمی‌باید در جلسه فردا مطرح

کنی. آن‌هایی را که دعوت کرده‌ایم

میهمانان ما هستند که می‌خواهند بفهمند

و بدانند حزب ایرانیان چه ویژگی‌هایی دارد

و چه می‌گوید و باز هم تاکید می‌کنم که

نمی‌باید از عملکرد احزاب موجود در

جلسه‌ی افتتاحیه انتقاد شود. ضمناً

درباره‌ی انتقاد کردن و زیر سوال بردن

احزاب موجود می‌باید بنشینیم عاقلانه و

منطقی تصمیم بگیریم. آن‌چه که شاه

گفت با زبان سیاست گفت آن هم به

کسانی گفت که باورداشت زبان سیاست را

می‌فهمند. گفتم به‌طور مسلم شاه از

احزاب موجود ناراحتی‌ها و نارضایتی‌ها

دارد ولی در عین حال خواستار بقا و

ادامه‌ی فعالیت آن‌ها می‌باشد.

به هر حال فردا ۲۷ دی‌ماه ۱۳۴۹ دبیر

کل حزب ایرانیان پشت تریبون رفت و

اظهار داشت:

از تاریخ پیدایش احزاب سال‌های

بسیاری می‌گذرد. در این مدت طولانی

حزب نیز به مانند سایر پدیده‌ها از آن

صورت اولیه‌ی خود که ناشی از برخورد

آنی منافع طبقات اجتماعی بود، به صورت

مرکز آموزش‌های ایدئولوژیک و کانون

پژوهش درباره‌ی شناخت و واقعیت‌های

مبارزه‌ی سیاسی درآمده است. ما می‌باید

آن‌چه که در جهان امروز به نام حزب

واقعیتی قابل لمس است، به عنوان

پدیده‌ی جدید بشناسیم و مفهوم درست

حسین تجدد) سخنان مفصلی بیان داشت.

سپس دکتر فضل‌الله صدر (دبیر کل حزب

ایرانیان) که دو شب قبل از روز گشایش از

سوی شورای مرکزی حزب به این سمت

انتخاب شده بود، رشته‌ی سخن را به دست

گرفت و نخست درباره‌ی سابقه‌ی حزب و

تحت‌ب در ایران و سپس درباره‌ی

بخش‌هایی از مرامنامه و اندیشه‌های حزب

ایرانیان سخنانی ایراد کرد.

شب هنگام ۱۳۴۹/۱۰/۲۶ که قرار بود

فردای آن شب دکتر صدر در جلسه‌ی

افتتاحیه‌ی حزب ایرانیان سخن بگوید، در

محل حزب با من مشورت کرد که فردا

درباره‌ی چه موضوعاتی صحبت کنم؟ من

به او گفتم فردا فقط می‌باید درباره‌ی

ویژگی‌های فکری و عقیدتی حزب

ایرانیان و هدف‌ها و آرمان‌ها و

نوآوری‌های آن سخن بگوی و

□ سرانجام پس از چند ماه

کوشش‌های نخستین و تلاش‌های بسیار

برای گردآوری دوستان و یاران دیرین و

دوستان و همکاران جدید عصر روز

انتخاب ۱۳۴۹/۱۰/۲۷ حزب ایرانیان به‌طور رسمی

در تالار فرهنگ گشایش یافت. در این

مراسم رییس مجلس شورای ملی، جمعی

از وزراء، دبیران کل و روسای

فراکسیون‌های احزاب، نمایندگان

مجلسین شورای ملی و سنا و گروهی از

شخصیت‌های کشوری و افرادی که به

حزب پیوسته بودند، حضور داشتند، مراسم

از هر جهت باشکوه بود.

در آغاز، ناصر پیروز (عضو شورای

مرکزی و هیات اجرایی حزب ایرانیان)

درباره‌ی چگونگی تشکیل این حزب و

نقش موثر و تعیین‌کننده‌ی بنیان‌گزاران

اولیه‌ی آن (دکتر فضل‌الله صدر و دکتر

آن را دریابیم و بویژه در ایران حزب را از موسسه‌ها و باشگاه‌های خصوصی بازناسیم و به‌وسیله‌ی این سازمان‌ها نیروهای بکر و دست‌نخورده خود را تلف نماییم و عناصری سرخورده و بی‌تفاوت به وجود نیاوریم.

چندی قبل که ما حزب ایرانیان را بنیان گذاشتیم می‌خواستیم مفتخر و مباهی باشیم که در این دوران بی‌تفاوتی اساس یک کار درست و سالم اجتماعی را پایه‌گذاری نماییم.

دبیر کل حزب ایرانیان که به هنگام گشایش رسمی حزب ایرانیان در تالار فرهنگ سخن می‌گفت، ادامه داد:

در چند دهه‌ی گذشته به خوبی جنب‌وجوش احزاب و جمعیت‌های بسیاری را در طول این مدت دیده بودیم. و روش‌ها و تاکتیک‌ها و شیوه‌های مبارزاتی آن‌ها را به خوبی می‌شناختیم و در یک بررسی عمیق به این نتیجه رسیدیم که هیچ یک از این احزاب نتوانسته بودند به عنوان یک حزب فراگیر و واقعی در میان ملت و جامعه که نیازمند یک کار سالم و درست اجتماعی بود، نقش واقعی و سرنوشت‌ساز خود را ایفا کنند و همه‌ی آن‌ها یکی پس از دیگری به کنج انزوا کشیده شدند و از خاطره‌ها رفتند بدون این‌که حتی یک شعار و یا یک دستورالعمل اجتماعی از آن‌ها باقی بماند و آن‌چه که بر جای ماند سرخوردگی و بی‌تفاوتی کسانی بود که همه‌ی آرزوها و آرمان‌های خود را بر باد رفته دیدند.

نه تنها دولت‌ها بلکه بیش‌تر احزاب بوده‌اند که آگاه یا ناآگاه در طول سال‌ها گروه گروه مردم میهن ما را نسبت به هر کار اجتماعی و سیاسی و پذیرش عضویت در حزب بدبین کرده‌اند و بدبینی و

بی‌تفاوتی دامان همه‌ی گروه‌های اجتماعی را کم و بیش گرفته است.

از روشنفکر دانشگاهی، فرهنگیان و جوانان و دانشجویان تا دکان‌دار سر محل و کاسب بازار و رفتگر کوچه و خیابان و... در برابر گفته‌ها و وعده‌های احزاب بی‌تفاوتی نشان می‌دهند. حزبی گفته است که من معتقد به تمامیت ارضی ایران هستم ولی عملاً کوشیده است که آذربایجان از مام میهن جدا شود و یا در پناه ارتش بیگانه با جدیت تمام خواهان دادن امتیاز نفت به بیگانگان بوده است. آیا مردم میهن ما این تضادها و تناقض‌گویی‌ها را تجربه نکرده‌اند؟

طی سال‌ها احزاب گوناگونی مانند قارچ در این سرزمین رویدند و آخر کار چیزی جز نابسامانی و پریشان‌حالی برای ملت خود برجای گذاشتند.

تجربه پس از تجربه، تلخی پس از تلخی، ناکامی پس از ناکامی... بیلان احزاب این سرزمین است که به یقین می‌باید همه‌ی شکست‌ها و ناکامی‌ها را در تار و پود پوسیده‌ی آن‌ها جست‌وجو کنیم. آیا در کشور ما احزابی با سابقه‌ی ۳۰ ساله و ۴۰ ساله و ۵۰ ساله لاقلاً از زمان مشروطیت وجود دارند که افکار و اندیشه‌ها و راه و روش خود را برای پیشرفت و ترقی و جاودانگی ملت ایران دنبال کرده باشند؟

دبیر کل حزب ایرانیان گفت: ما وارث چنین میراثی از بدبینی‌ها، سرخوردگی‌ها و بی‌تفاوتی‌ها هستیم و الگوی کارمان نمی‌بایست همان الگوهای شکست‌خورده و از میان رفته باشد و باز هم چند صباحی با ریا و نیرنگ عده‌یی را به دنبال خود بکشانیم و پس از مدتی جوانان مشتاق و ایران‌دوست و زنان و مردان فرهیخته را

بی‌پناه و سرخورده در دامان اجتماع رها کنیم و در زباله‌دان تاریخ بیفکنیم و یا این‌که از همه‌ی شکست‌ها و ناکامی‌هایی که گریبان‌گیر احزاب گذشته شده است، پرهیز نماییم و شیوه و تاکتیک‌های نو را برگزینیم.

بخش اول سخنرانی دبیر کل حزب ایرانیان درباره‌ی نفی احزاب گذشته و تشکیل حزب سیاسی و واقعی به نام ایرانیان مورد اقبال و توجه حاضران قرار نگرفت زیرا همه‌ی حاضران و سیاست‌مداران و دست‌اندرکاران احزاب حاضر در جلسه می‌دانستند حزب تازه تاسیس ایرانیان تافته‌ی جدا بافته نیست و با اراده و خواست شاه ایران تاسیس یافته است و می‌باید بمانند احزاب ایران نوین و مردم و پان‌ایرانیست و گروه‌های کوچک‌تر در چارچوبی تعیین شده فعالیت کند و حزب ایرانیان فقط با ارائه‌ی مرامنامه‌ی پیشرفته و مترقی و نوآوری‌هایی که در زمینه‌های گوناگون ارائه داده است، می‌تواند تحرک بیش‌تری در جذب جوانان و دانشجویان و روشنفکران و فرهنگیان به وجود آورد.

حقیقت آن‌چه را که بیان کردم، در بخش دوم سخنان دبیر کل حزب ایرانیان آشکار گردید. دکتر صدر گفت: در آیین حزب ایرانیان که متکی به همه‌ی گروه‌های ملی است، کارگران، کشاورزان، کارمندان، اصناف، پیشه‌وران، دانشجویان، فرهنگیان و دیگر گروه‌های اجتماعی به صورت مجموعه‌یی هماهنگ برای حفظ بقا و عظمت ملت خویش می‌کوشند و هیچ‌گونه کشمکش و مبارزه‌یی میان این گروه‌های سازنده‌ی ملت به چشم نمی‌خورد. برای حفظ موجودیت ملت

افغانستان در انتظار

سرلشکر ناصر فرید

رییس پیشین ستاد ارتش

۱- در سرزمین دور: آن جا
آن جا که اشک و آتش و خون

موج می زند

آن جا که، دیو جنگ، چو کابوس هولناک
با داس مرگ تشنه، به هر سوی می دود

۲- آن جا که در سراسر پهنای آسمان
جای کبوتران،

ده ها عقاب دشنه به چنگال می برند.

۳- آن جا که غول حیلہ گر دهر با فریب
در جنگ با رقیب

صدها کمند و دام به تزویر، می تند.

۴- آن جا که روی خاک گل آلود سرخ فام
مجروح تشنه کام

لب های خود ز رنج فزاینده می گزد

۵- آن جا که طفل مانده و گریان و
بی گناه

مهجور و بی پناه

بی بهره از محبت مادر به سر برد.

۶- آن جا که مام بی کس لرزان و ناتوان
در خون کشتگان

زار و خمیده در پی فرزند، می خزد.

آن جا - در انتظار - انسان،

انسان بی امید و اسیر ستمگران

انسان دست شسته ز هستی و بد گمان

عاصی نشسته است

در انتظار چه؟

در انتظار صلح یا انتظار جنگ

در انتظار یاری یا انتظار مرگ

در انتظار چه؟

نامیدی به این قبیل سخنان می نگریم
و می دانستیم با این ساده لوحی و سیاست
غلط دکتر صدر ما هم به سرنوشت سایر
احزاب گذشته دچار خواهیم شد و بیش از
پیش آن هایی که ما را یاری کرده اند بویژه
جوانان و دانشجویان و نسل جوان را
مایوس خواهیم کرد.

به هر حال دکتر صدر با ادامه ی
رویه ی غلط و استنباط نادرست خود حزب
دستوری و فرمایشی ایرانیان را به
سراشویی سقوط و نابودی کشاند که شرح
کامل آن را در بخش های آینده ی این
سلسله مقالات خواهیم نگاشت.

همان گونه که قبلاً اشاره کردم آن چه
که مایه ی مباهات و سرافرازی حزب
ایرانیان بود، مرامنامه و اساسنامه ی مفصل
همراه با نوآوری ها و مسائل و مطالب تازه
بنیادهای فکری جدید بود که اگر حزب
ایرانیان در انتخابات دوره ی بیست و سوم
مجلس شورای ملی به موفقیت دست
می یافت، می توانست به وسیله ی اساتید و
کارشناسان و اندیشمندی که در حزب
ایرانیان گرد آمده بودند، به صورت طرح و
یا پیشنهاد در لوایح مطروحه دولت خدمات
ارزنده و گسترده یی را برای ملت ایران
انجام دهند. (ادامه دارد) ■

ایران و پیشرفت به سوی تکامل و ترقی
می باید آن چه را که متناسب با اوضاع
سیاسی و جغرافیایی و منطقه یی این
سرزمین و منطبق با سنت ها و شیوه های
ملی ما باشد، از تجارب دیگران و ملل دیگر
بپذیریم و برای تحقق آن ها سازمان ها و
نهادهای مورد نیاز را به وجود آوریم.

دبیر کل حزب ایرانیان که با
ساده لوحی و با باور غلط هیجان زده شده
بود، از حزب اساسی و واقعی ایرانیان سخن
می گفت و همه ی احزاب گذشته را با
دلایل گوناگون زیر سوال برده بود، مگر
نمی دانست حزب ایرانیان که با اجازه و
خواست شاه با همان شرایط و ضوابط سایر
احزاب تشکیل شده و حتی هزینه اش را
دولت می پردازد، چگونه می تواند یک
حزب اساسی و واقعی باشد و در شرایط آزاد
و بدون وابستگی و دغدغه نقش خود را ایفا
نماید و آرمان ها و هدف های خود را به
پیش ببرد.

دکتر صدر گفت: ما با بهره گیری از
تجربیات گذشته حزبی را به وجود آورده ایم
که دیگر اعضای آن دل سرد و مایوس و
سرخورده نشوند و راه درست را برای
پیشرفت و ترقی ملت خود دنبال نمایند.
من همواره با تردید و ناپاوری و



دکتر حسین تجدد (نویسنده ی مقاله) - رحیم زهتاب فرد - دکتر سیف الله وحیدنیا - پروفیسور امین